

نقش واسطه‌ای نیازهای اساسی روانشناختی در رابطه بین ارزش‌های فرهنگی (فردگرایی-جمع‌گرایی) و راهبردهای تنظیم شناختی هیجان[□]

The Mediating Role of Basic Psychological Needs in the Relationship between Cultural Values (Individualism-Collectivism) and Cognitive Emotion Regulation[□]

Hamideh Mohammadi, MSc[✉]

Mahbube Fouladchang, PhD

حمیده محمدی*

دکتر محبوه فولادچنگ*

Abstract

چکیده

The aim of present study was to investigate the mediating of the basic psychological needs in relationship between cultural values and cognitive emotion regulation. Participants included 378 (253 females and 125 males) of Shiraz university students. The research instruments were Individualism and Collectivism Scale (Sivadas, Bruvold, & Nelson, 2008), Basic Psychological Needs Scale (Gagne, 2003) and Cognitive Emotion Regulation Questionnaire (Granefski, Kraaij & Spinhoven, 2001). Conceptual model included the mediating role of basic psychological needs in the relationship between cultural values (individualism - collectivism) and cognitive emotion regulation that was studied by structural equation modeling. The findings showed that suggested model was fitted by data. The findings showed that cultural values had a direct effect on emotional cognitive regulation. Individualism predicted adaptive cognitive regulation strategies positively by mediating of relatedness and competency and non adaptive cognitive regulation strategies negatively by mediating of relatedness, competency, and autonomy needs satisfaction. Collectivism predicted adaptive cognitive regulation strategies negatively, and non adaptive cognitive regulation strategies related positively by mediating of competency need satisfaction. Accordingly satisfying psychological basic needs played mediating role in relationship between cultural values and cognitive regulation emotional.

Keywords: culture values, basic psychological needs, cognitive emotion regulation

هدف از پژوهش حاضر تعیین نقش واسطه‌ای نیازهای اساسی روانشناختی در رابطه بین ارزش‌های فرهنگی و راهبردهای تنظیم شناختی هیجان بود. شرکت‌کنندگان پژوهش شامل ۳۷۸ نفر (۲۵۳ دختر و ۱۲۵ پسر) از دانشجویان دانشگاه شیراز بودند. ابزارهای پژوهش شامل مقیاس فردگرایی و جمع‌گرایی (سواداس و همکاران، ۲۰۰۸)، مقیاس نیازهای اساسی روانشناختی (گانیه، ۲۰۰۳) و پرسشنامه راهبردهای تنظیم شناختی هیجان (گرانفسکی و همکاران، ۲۰۰۱) بود. مدل مفهومی شامل واسطه‌گری نیازهای اساسی روانشناختی بین ارزش‌های فرهنگی فردگرایی-جمع‌گرایی و راهبردهای سازگاران و ناسازگاران تنظیم شناختی هیجان با استفاده از مدل‌یابی معادلات ساختاری بررسی گردید و نتایج حاکی از برازش مناسب مدل پیشنهادی با داده‌ها بود. همچنین اثر مستقیم ارزش‌های فرهنگی بر تنظیم شناختی هیجان تأیید شد. نتایج نشان داد که فردگرایی، به واسطه رضای نیاز به ارتباط و ارضای نیاز به شایستگی، راهبردهای سازگاران تنظیم شناختی هیجان را به طور مثبت و به واسطه ارضای نیاز به ارتباط، ارضای نیاز به شایستگی و ارضای نیاز به خودپیروی، راهبردهای ناسازگاران تنظیم شناختی هیجان را به طور منفی پیش بینی می‌نماید. همچنین جمع‌گرایی از طریق ارضای نیاز به شایستگی، راهبردهای سازگاران تنظیم شناختی هیجان را به گونه منفی و راهبردهای ناسازگاران تنظیم شناختی هیجان را به گونه مثبت پیش بینی می‌کند. براین اساس، ارضای نیازهای اساسی روانشناختی، نقش واسطه‌ای بین ارزش‌های فرهنگی و تنظیم شناختی هیجان ایفا کردند.

کلیدواژه‌ها: ارزش‌های فرهنگی، نیازهای اساسی روانشناختی، تنظیم شناختی هیجان

□ Faculty of Education and Psychology, Shiraz University, Shiraz, I. R. Iran.

✉ Email: foolad@shiraz.ac.ir

□ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۷/۲ تصویب نهایی: ۱۳۹۶/۱۲/۲۰

* دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شیراز

● مقدمه

«نظریه خود تعیینی»^۱ نظریه‌ای کلان درباره انگیزش، هیجان و رشد انسان است و به عواملی توجه می‌کند که فرآیندهای مربوط به خودشکوفایی در انسان‌ها را بازدارد یا تسهیل می‌کند. اساس این نظریه را «نیازهای اساسی روان‌شناختی»^۲ تشکیل می‌دهد که به‌عنوان انرژی لازم برای کمک به درگیری فعال با محیط، پرورش مهارت‌ها و رشد سالم در نظر گرفته می‌شود (دسی و ریان، ۲۰۱۱) و شامل سه نیاز ذاتی و جهان‌شمول تحت عنوان نیاز به «خود پیروی»، «شایستگی» و «مرتبط بودن» است (وایت، ۱۹۵۹).

نظریه خود تعیینی تأکید دارد که عوامل محیطی - اجتماعی با واسطه‌گری نیازهای اساسی روان‌شناختی بر «بهبودی» افراد تأثیر می‌گذارند (دسی و ریان، ۲۰۰۰). ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی می‌تواند بسیاری از پیامدهای انگیزشی، شناختی، رفتاری و هیجانی را پیش‌بینی کند و عملکرد بهینه افراد در زمینه‌های مختلف وابسته به ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی آنهاست (دسی و ریان، ۲۰۰۸). در همین ارتباط، گروهی از پژوهشگران با تأکید بر نیازهای اساسی روان‌شناختی نشان دادند، ارضای این نیازها به‌طور مستقیم با بهبودی و سلامت روان‌شناختی در ارتباط است (از جمله چن و جانگ، ۲۰۱۰؛ دسی و ریان، ۲۰۰۰؛ شلدون و نمیک، ۲۰۰۶؛ شیخ‌الاسلامی و دفترچی، ۱۳۹۴؛ شیخ‌الاسلامی، ۱۳۹۰؛ شیخ‌الاسلامی و عرب‌مقدم ۲۰۱۰ و پاتریک، نی، کنولو، و لانسبری، ۲۰۰۷). روث، آسور، نیمیک، ریان و دسی (۲۰۰۹) نیز به مقایسه تأثیر حمایت از خودپیروی والدین بر تنظیم عواطف و پیشرفت تحصیلی در گروهی از نوجوانان پرداختند. نتایج نشان داد حمایت از خودپیروی، پیش‌بین حساسی از انتخاب بود که تنظیم عواطف منفی و درگیری تحصیلی را پیش‌بینی می‌کرد. همچنین نتایج پژوهش فرجی، غلامعلی لواسانی و خلیلی (۱۳۹۳) نشان داد که ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی با تنظیم هیجان رابطه مثبت دارد.

طبق این نظریه، نیازها به‌صورت فطری در تمامی انسان‌ها و همه فرهنگ‌ها وجود دارند (ایوانز، مک‌پیرسون و دیویدسون، ۲۰۱۳) و ارضای این نیازها به‌مانند خوراک روان‌شناختی برای خودتنظیمی و بهبودی روانی همه افراد و در تمام «فرهنگ‌ها» لازم و ضروری‌اند (دسی و وانستینکیست، ۲۰۰۴). دسی و ریان (۲۰۰۰) در مورد تأثیر فرهنگ بر ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی معتقدند، تفاوت در ارزش‌های فرهنگ‌های مختلف، شیوه ارضای نیازها

را از فرهنگی به فرهنگ دیگر متفاوت می‌سازد. فرهنگ عبارت است از ارزش‌هایی که اعضای یک گروه معین دارند و هنجارهایی که از آن پیروی می‌کنند. یکی از شناخته‌شده‌ترین الگوهای فرهنگی، «فردگرایی» و «جمع‌گرایی» است که برای توصیف، تبیین و پیش‌بینی تفاوت در نگرش‌ها، ارزش‌ها، رفتارها، شناخت، ارتباطات، جامعه‌پذیری و خودپنداشت به کار می‌رود (اویسرمن، کون و کلمیر، ۲۰۰۲).

مطابق با نظر دسی و ریان (۲۰۰۰) شیوه ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی در فرهنگ‌های مختلف، متفاوت می‌باشد. برای مثال، در فرهنگ‌های جمع‌گرا، افراد احتمالاً درحالی‌که ارزش‌های جمع‌گرایانه فرهنگ خود را درونی می‌کنند، نیاز به خودپیروی و ارتباط با دیگران را ارضا می‌کنند. اما در فرهنگ فردگرا ممکن است عمل هماهنگ با هنجار گروهی نوعی هم‌نوایی با دیگران و تسلیم تلقی شود و ممکن است عاملی تهدیدکننده برای ارضای نیاز به خودپیروی باشد. این افراد بر نیازها و اهداف خود تأکید دارند و جهت ارضای نیازهای خود با دیگران ارتباط برقرار می‌کنند و اهمیتی به ارضای نیازهای دیگران نمی‌دهند (بوک، ۲۰۰۱)، ولی در جوامع جمع‌گرا بر نیازها و اهداف گروه تأکید می‌شود.

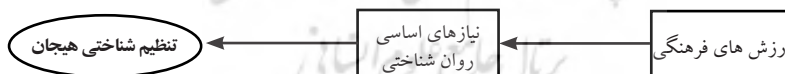
برخی از محققین تعمیم‌پذیری ارضای نیازها (به‌ویژه خودپیروی) به فرهنگ‌های مختلف را مورد تردید قرار داده‌اند (گاندلچ و کراینر، ۲۰۰۴) و برخی معتقدند نیاز به خودپیروی در تمام فرهنگ‌ها به‌طور یکسان وجود دارد و فقط شیوه ارضاء آن‌ها متفاوت است. هیو و ویلاریل (۱۹۸۹) دریافتند افراد برحسب فردگرایی یا جمع‌گرایی از نیازهای روان‌شناختی متفاوتی برخوردارند. نتایج تحقیقات ایشی، داینر، لوکاس و سو (۱۹۹۹) و ایشی (۲۰۰۶) نشان داد که در فرهنگ‌های فردگرا نیاز به خودپیروی به‌عنوان یک نیاز اساسی مطرح و پیش‌بینی‌کننده قوی‌تری برای بهزیستی است، ولی در فرهنگ‌های جمع‌گرا نمی‌تواند به‌عنوان یک نیاز اساسی مطرح شود و بیش‌تر بر روابط بین اعضا تأکید می‌شود.

با در نظر گرفتن تفاوت‌های فرهنگی در این‌که چه روابطی با ارزش است، بالطبع هیجان‌هایی که در هماهنگ کردن روابط افراد مفید یا کارآمد تلقی می‌شوند، نیز متفاوت خواهند بود. نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد، فرهنگ‌هایی که به استقلال و فردیت (فرهنگ فردگرا) به‌عنوان اهداف روابط اهمیت می‌دهند بیش‌تر بر دستیابی به پیامدهای مثبت تأکید می‌کنند، درحالی‌که در فرهنگ‌هایی که بر تعهد (فرهنگ جمع‌گرا) تأکید می‌کنند، بیش‌تر

درگیر اجتناب از پیامدهای منفی هستند (الیوت، چیرکو، کیم و شلدون، ۲۰۰۱). نتایج تحقیقات حاکی از آن هستند که در تنظیم شناختی هیجانات، تفاوت‌های فرهنگی وجود دارد. با این حال تأثیرپذیری تنظیم شناختی هیجان از فرهنگ یکی از چالش‌های اصلی در تحقیقات روان‌شناسی است که کم‌تر به آن پرداخته شده است.

از جمله راهبردهای سازگارانه می‌توان به «ارزیابی مجدد مثبت»، «تمرکز مجدد مثبت»، «پذیرش»، «تخاذ دیدگاه» و «تمرکز بر برنامه‌ریزی» اشاره نمود. راهبردهایی مانند «سرزنش خود»، «سرزنش دیگران»، «بازخورد ذهنی» و «فاجعه‌انگاری» در دسته راهبردهای ناسازگارانه قرار می‌گیرند (گارفنلسکی، کوپمن، کرایج، و کیت، ۲۰۰۹).

در همین ارتباط پژوهش‌ها و همکاران (۲۰۰۹) نشان داد در استفاده از هر دو راهبرد (ارزیابی مجدد شناختی و سرکوب بیانی)، تفاوت‌های جنسیتی و فرهنگی وجود دارد (به نقل از پاتوف و همکاران، ۲۰۱۶). وونگ (۲۰۰۹) نیز به این نتیجه رسید که دانشجویان آمریکایی در مقایسه با دانشجویان هنگ‌کنگ بیش‌تر از راهبرد ارزیابی مثبت و پذیرش استفاده می‌کنند، در حالی که دانشجویان هنگ‌کنگ بیش‌تر از راهبردهای سرزنش خود، سرزنش دیگران و فاجعه‌انگاری استفاده می‌کنند. در تأیید این مطلب، پژوهش دیلیورناید، مسکویتا، کیم، ایم و چوی (۲۰۱۴). با نگاهی اجمالی به نظریه خودتعیینی مدل مفهومی تحقیق حاضر شکل می‌گیرد. بر این اساس این سؤال مطرح می‌شود که آیا ارزش‌های فرهنگی به‌عنوان یک عامل محیطی-اجتماعی با واسطه‌گری نیازهای اساسی روان‌شناختی می‌تواند تنظیم شناختی هیجان را پیش‌بینی کند؟ مدل پیشنهادی پژوهش حاضر در شکل ۱ نشان داده شده است.



شکل ۱. نقش واسطه‌ای نیازهای اساسی روان‌شناختی در رابطه بین ارزش‌های فرهنگی و تنظیم شناختی هیجان

با توجه به چارچوب مفهومی نظریه خودتعیینی و بازبینی پیشینه تحقیقاتی، فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر است: ۱. ارزش‌های فرهنگی پیش‌بینی کننده راهبردهای تنظیم شناختی هیجان است. ۲. ارزش‌های فرهنگی پیش‌بینی کننده نیازهای اساسی روان‌شناختی است. ۳. نیازهای اساسی روان‌شناختی، نقش واسطه‌ای در رابطه بین ارزش‌های فرهنگی و راهبردهای تنظیم شناختی هیجان دارد.

● روش

پژوهش حاضر از نوع همبستگی بود و با استفاده از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری روابط بین متغیرهای مدل پیشنهادی تحلیل شد. ارزش‌های فرهنگی به‌عنوان متغیر برون‌زاد، نیازهای اساسی روان‌شناختی به‌عنوان متغیر واسطه‌ای و راهبردهای تنظیم‌شناختی هیجان به‌عنوان متغیر درون‌زاد در نظر گرفته شدند. برای تعیین نقش واسطه‌گری متغیرهای میانجی از «روش بوت/سترپ» استفاده شد. گروه نمونه ۳۷۸ نفر (۲۵۳ دختر و ۱۲۵ پسر) از دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه شیراز بودند که به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. در این پژوهش از ابزارهای زیر استفاده شد.

● ابزار

□ الف: **مقیاس فردگرایی-جمع‌گرایی**^۳: به‌منظور اندازه‌گیری ارزش‌های فرهنگی، از نسخه کوتاه مقیاس فردگرایی و جمع‌گرایی (سیواداس، بروولد و نلسون، ۲۰۰۸) استفاده شد. این مقیاس دارای ۱۶ سؤال می‌باشد که ۷ مؤلفه، فردگرایی و ۹ مؤلفه، جمع‌گرایی را در دامنه‌ای ۷ درجه‌ای از ۱ (کاملاً مخالفم) تا ۷ (کاملاً موافقم) می‌سنجد. در پژوهش کورشنیا (۱۳۹۰) روایی این مقیاس با استفاده از روش تحلیل عامل و نیز روش همسانی درونی موردبررسی قرار گرفت و پس از تعیین عوامل از روش چرخش واریماکس استفاده شد و همچنین ضریب اعتبار قابل‌قبولی گزارش شده است. در این پژوهش نیز نتایج تحلیل عامل تأییدی بیانگر وجود دو عامل فردگرایی و جمع‌گرایی بود و ضریب آلفای کرنباخ برای فردگرایی ۰/۷۱ و برای جمع‌گرایی ۰/۶۳ به دست آمد.

□ ب: **مقیاس نیازهای اساسی روان‌شناختی**^۴: این مقیاس میزان موافقت یا عدم موافقت پاسخ‌دهنده را با ۹ ماده که در ارتباط با ادراک خودپیروی، شایستگی و پیوستگی هستند، در دامنه‌ای ۵ درجه‌ای از ۱ (کاملاً مخالفم) تا ۵ (کاملاً موافقم) موردسنجش قرار می‌دهد. ۳ ماده خودپیروی، ۳ ماده شایستگی و ۳ ماده نیاز به ارتباط را می‌سنجد. گانه (۲۰۰۳) ضریب آلفای کرنباخ این مقیاس را از ۰/۶۹ تا ۰/۸۴ گزارش کرده است. در پژوهش حاضر نیز نتایج تحلیل عامل تأییدی نشان‌دهنده وجود سه عامل کلی بود که مؤید یافته‌های محققان پیشین می‌باشد. به‌منظور سنجش اعتبار نیز از آلفای کرنباخ استفاده گردید که مقدار آلفای کرنباخ برای نیاز به شایستگی، نیاز به خودپیروی و نیاز به ارتباط به ترتیب برابر با ۰/۷۹، ۰/۷۴ و ۰/۶۸ بود.

□ ج: پرسشنامه تنظیم شناختی هیجان^۵: در سال ۱۹۹۹ توسط گرنفسکی، کریچ و اسپین هاون طراحی و در سال ۲۰۰۱ چاپ شده است. این پرسشنامه با ۹ مؤلفه (سرزنش خود، پذیرش، بازخورد ذهنی، توجه مجدد مثبت، تمرکز بر برنامه‌ریزی، باز ارزیابی مثبت، اتخاذ دیدگاه، فاجعه انگاری و سرزنش دیگران) دارای ۳۶ ماده است و در دامنه‌ای ۵ درجه‌ای از ۱ (هرگز)، ۲ (گاهی)، ۳ (مرتباً)، ۴ (اغلب) و ۵ (همیشه) این مؤلفه‌ها را موردسنجش قرار می‌دهد. راهبردهای سرزنش خود، سرزنش دیگران، نشخوار ذهنی و فاجعه انگاری، راهبردهای ناسازگارانه و راهبردهای پذیرش، تمرکز بر برنامه‌ریزی، توجه مجدد مثبت، باز ارزیابی مثبت و دیدگاه‌پذیری راهبردهای سازگارانه تنظیم شناختی هیجان را نشان می‌دهند. سازندگان پرسشنامه اعتبار آن را از طریق آلفای کرنباخ برای راهبردهای سازگارانه ۰/۹۱ و برای راهبردهای ناسازگارانه ۰/۸۷ گزارش کرده‌اند. محمدی و مزیدی (۱۳۹۳) نیز در تحقیق خود اعتبار آن را از طریق آلفای کرنباخ برای راهبردهای سازگارانه ۰/۸۸ و برای راهبردهای ناسازگارانه ۰/۸۷ به دست آوردند. در پژوهش حاضر جهت تعیین روایی از تحلیل عامل تأییدی استفاده گردید. یافته‌ها نشان‌دهنده وجود ۹ عامل بود. اعتبارنامه پرسشنامه نیز از طریق آلفای کرنباخ محاسبه گردید. ضریب آلفای کرنباخ برای راهبردهای سازگارانه ۰/۸۶ و برای راهبردهای ناسازگارانه ۰/۸۰ به دست آمد.

● یافته‌ها

در جدول ۱، میانگین، انحراف معیار و ضرایب همبستگی دو متغیری مؤلفه‌های مدل پژوهش آورده شده است.

به منظور بررسی نقش واسطه‌ای نیازهای اساسی روان‌شناختی در رابطه بین ارزش‌های فرهنگی و راهبردهای تنظیم شناختی هیجان از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری استفاده شد. بنابراین، مدل پژوهش حاضر مشتمل بر مدل‌های اندازه‌گیری و ساختاری می‌باشد. در مدل پژوهش حاضر، دو مدل اندازه‌گیری برای متغیرهای مکنون راهبردهای سازگارانه و ناسازگارانه تنظیم شناختی هیجان مورد آزمون قرار گرفته‌اند که نتایج مربوط به آن‌ها در جدول ۲ آمده است. این جدول بیان‌گر این است که به‌استثنای متغیر مشاهده‌پذیر «پذیرش»، سایر متغیرها شاخص‌های معنادار و قابل قبولی جهت سنجش متغیر مکنون مربوطه خود هستند. پیش از آزمون مدل و بررسی روابط ساختاری پژوهش، برای حصول اطمینان از

جدول ۱. میانگین، انحراف معیار و همبستگی صفر مرتبه متغیرهای پژوهش

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
۱. فرهنگ جمع‌گرا	۱۵/۸۱	۳/۱۹	—											
۲. فرهنگ فردگرا	۲۵/۹۹	۳/۹	۰/۱۱*	—										
۴. نیاز به ارتباط	۱۱/۰۳	۲/۰۶	۰/۱۱**	۰/۲۰**	—									
۵. نیاز به شایستگی	۱۰/۲۶	۲/۵۲	۰/۱۸**	۰/۱۲*	۰/۰۹	—								
۶. نیاز به خودپیروی	۱۱/۶۵	۱/۸۲	۰/۰۴	۰/۳۷**	۰/۴۱**	۰/۱۸**	—							
۷. برنامه‌ریزی و ارزیابی	۲۳/۰۲	۵/۲۹	۰/۱۰	۰/۲۵**	۰/۲۰**	۰/۲۴**	۰/۱۱*	—						
۸. اتخاذ دیدگاه	۱۷/۹۸	۴/۳۹	۰/۱۱*	۰/۱۴**	۰/۰۶	۰/۰۶	۰/۵۶**	۰/۱۰*	—					
۹. پذیرش	۸/۴۰	۲/۳۴	۰/۱۵**	۰/۰۳	۰/۱۵**	۰/۰۲	۰/۰۵	۰/۱۶**	۰/۰۳*	—				
۱۰. توجه مجدد	۸/۵۷	۲/۶۵	۰/۱۰	۰/۰۶	۰/۱۴**	۰/۱۴**	۰/۱۱*	۰/۳۹**	۰/۰۳*	۰/۰۸	—			
۱۱. فاجعه‌انگاری	۷/۴۵	۲/۶۶	۰/۱۳*	۰/۰۳	۰/۲۱**	۰/۲۴**	۰/۲۰**	۰/۱۸**	۰/۱۶**	۰/۲۸**	۰/۰۸	—		
۱۲. بازخورد ذهنی	۱۵/۷۵	۳/۷۶	۰/۱۲*	۰/۲۰**	۰/۱۸**	۰/۱۳**	۰/۱۸**	۰/۲۸**	۰/۱۶**	۰/۳۶**	۰/۱۲*	۰/۲۱**	—	
۱۳. سرزنش دیگران	۹/۴۴	۲/۹۹	۰/۱۰	۰/۰۷	۰/۱۶**	۰/۱۰*	۰/۲۱**	۰/۰۷	۰/۰۹	۰/۱۳**	۰/۰۵	۰/۵۳**	۰/۰۹	—
۱۴. سرزنش خود	۹/۴۴	۲/۹۹	۰/۱۰	۰/۰۷	۰/۱۶**	۰/۱۰*	۰/۲۱**	۰/۰۷	۰/۰۹	۰/۱۳**	۰/۰۵	۰/۵۳**	۰/۰۸	۰/۰۸

* p<0/05 ** p<0/01

این‌که داده‌های پژوهش مفروضه‌های زیربنایی روش مدل‌یابی معادلات ساختاری را برآورده می‌نماید، سه مفروضه اصلی مدل‌یابی معادلات ساختاری (شامل نرمال بودن، استقلال خطاها و هم‌خطی چندگانه) بررسی شد که نتایج بیان‌گر وجود شرایط مناسب داده‌های گردآوری‌شده جهت انجام تحلیل بود.

جدول ۲. نتایج آزمون مدل اندازه‌گیری راهبردهای تنظیم شناختی هیجان

متغیرمکنون	شاخص‌ها	R	R ^۲	B	β	معناداری
راهبردهای سازگارانه	ارزیابی و برنامه‌ریزی	۰/۹۲	۰/۸۴	۱	۰/۹۲	۰/۰۰۰۱
	اتخاذ دیدگاه	۰/۶۱	۰/۳۷	۰/۵۵	۰/۶۱	۰/۰۰۰۱
	پذیرش	۰/۱۱	۰/۰۱۲	۰/۰۵	۰/۱۱	۰/۰۶
	توجه مجدد	۰/۵۹	۰/۳۴	۰/۳۲	۰/۵۸	۰/۰۰۰۱
راهبردهای ناسازگارانه	فاجعه‌انگاری	۰/۸۸	۰/۷۷	۱	۰/۸۸	۰/۰۰۰۱
	نشخوار ذهنی	۰/۲۵	۰/۰۶	۰/۴۰	۰/۲۵	۰/۰۰۰۱
	سرزنش دیگران	۰/۵۹	۰/۳۵	۰/۷۶	۰/۶۰	۰/۰۰۰۱
	سرزنش خود	۰/۳۴	۰/۱۱	۰/۳۷	۰/۳۴	۰/۰۰۰۱

در ادامه با کمک نسخه ۲۲ نرم‌افزار آماری AMOS، تحلیل مسیرهای مدل پیشنهادی پژوهش

در دستور کار قرار گرفت. جدول ۳ نتایج حاصل از بررسی اثرات مستقیم مدل را نشان می‌دهد.

مطابق با جدول ۳، جمع‌گرایی بر هر دو راهبرد سازگاران تنظیم شناختی هیجان ($\beta=0/11, p<0/04$) و راهبرد ناسازگاران تنظیم شناختی هیجان ($\beta=0/12, p<0/02$)، اثر مستقیم مثبت و معناداری دارد. از طرفی، در بررسی اثر مستقیم فردگرایی بر راهبردهای تنظیم شناختی هیجان مشخص شد که این متغیر راهبرد سازگاران تنظیم شناختی هیجان را به‌گونه‌ای مثبت و معنادار ($\beta=0/16, p<0/004$) پیش‌بینی می‌کند و اثر معناداری بر راهبرد ناسازگاران تنظیم شناختی هیجان ندارد.

در بررسی اثرات مستقیم متغیر واسطه‌ای (نیازهای اساسی روان‌شناختی) بر راهبردهای تنظیم شناختی هیجان مشخص شد که نیاز به ارتباط، راهبرد سازگاران تنظیم شناختی هیجان ($\beta=0/16, p<0/003$) را به‌گونه‌ای مثبت و راهبرد ناسازگاران تنظیم شناختی هیجان ($\beta=-0/17, p<0/002$) را به‌گونه‌ای منفی پیش‌بینی می‌کند. نیاز به شایستگی نیز راهبرد سازگاران تنظیم شناختی هیجان ($\beta=0/18, p<0/0001$) را به‌طور مثبت و راهبرد ناسازگاران تنظیم شناختی هیجان ($\beta=-0/20, p<0/0001$) را به‌طور منفی پیش‌بینی می‌کند. در بررسی اثر مستقیم نیاز به خودپروی بر راهبردهای تنظیم شناختی هیجان نیز مشخص شد که این متغیر تنها می‌تواند راهبرد ناسازگاران تنظیم شناختی هیجان را به‌گونه‌ای منفی و نسبتاً ضعیف ($\beta=-0/12, p<0/04$) پیش‌بینی کند.

نتایج مربوط به تحلیل اثرات مستقیم ارزش‌های فرهنگی بر متغیرهای واسطه‌ای (نیازهای اساسی روان‌شناختی) نیز حاکی از آن است که ارزش فرهنگی جمع‌گرایی تنها قادر است که نیاز به شایستگی را به‌صورت منفی و معناداری ($\beta=-0/19, p<0/0001$) پیش‌بینی کند و اثر معنادار بر نیاز به ارتباط و نیاز به خودپروی ندارد. افزون بر این، نتایج آشکار ساخت که ارزش فرهنگی فردگرایی اثر معناداری بر هر سه نیاز دارد. بدین‌صورت که این متغیر به ترتیب نیاز به خودپروی ($\beta=0/38, p<0/0001$)، نیاز به ارتباط ($\beta=0/19, p<0/0001$) و نیاز به شایستگی ($\beta=0/14, p<0/007$) را به‌صورت مثبت و معناداری پیش‌بینی می‌کند.

در ادامه، با استفاده از روش «بوت/سترپ»، مسیر غیرمستقیم ارزش‌های فرهنگی باواسطه‌گری نیازهای اساسی روان‌شناختی بر راهبردهای تنظیم شناختی هیجان نیز مورد بررسی قرار گرفت. در تحلیل مذکور مشخص شد که برخی مسیرهای غیرمستقیم ارزش‌های فرهنگی

جدول ۳. نتایج مربوط به اثرات مستقیم متغیرهای موجود در مدل

معناداری	پارامترهای برآورد شده			متغیرها
	خطا (S.E)	معیار (β)	غیر معیار	
اثر جمع‌گرایی بر				
۰/۰۴	۰/۰۸	۰/۱۱	۰/۱۷	تنظیم هیجان سازگارانه
۰/۰۲	۰/۰۴۱	۰/۱۲	۰/۰۹	تنظیم هیجان ناسازگارانه
۰/۰۶	۰/۰۳۲	۰/۰۹	۰/۰۶	نیاز به ارتباط
۰/۰۰۰۱	۰/۰۴	-۰/۱۹	-۰/۱۵	نیاز به شایستگی
۰/۴۴	۰/۰۲۷	-۰/۰۴	-۰/۰۲	نیاز به خودپروی
اثر فردگرایی بر				
۰/۰۰۴	۰/۰۷	۰/۱۶	۰/۲۰	تنظیم هیجان سازگارانه
۰/۳۰	۰/۰۳۶	۰/۰۶	۰/۰۴	تنظیم هیجان ناسازگارانه
۰/۰۰۰۱	۰/۰۳	۰/۱۹	۰/۱۰	نیاز به ارتباط
۰/۰۰۷	۰/۰۳۲	۰/۱۴	۰/۰۹	نیاز به شایستگی
۰/۰۰۰۱	۰/۰۲۲	۰/۳۸	۰/۱۸	نیاز به خودپروی
اثر نیاز به ارتباط بر				
۰/۰۰۳	۰/۱۳	۰/۱۶	۰/۳۹	تنظیم هیجان سازگارانه
۰/۰۰۲	۰/۰۷	-۰/۱۷	-۰/۲۱	تنظیم هیجان ناسازگارانه
اثر نیاز به شایستگی بر				
۰/۰۰۰۱	۰/۱۰	۰/۱۸	۰/۳۴	تنظیم هیجان سازگارانه
۰/۰۰۰۱	۰/۰۵۲	-۰/۲۰	-۰/۲۰	تنظیم هیجان ناسازگارانه
اثر نیاز به خودپروی بر				
۰/۱۰	۰/۱۶	۰/۱۰	۰/۲۶	تنظیم هیجان سازگارانه
۰/۰۴	۰/۰۸۲	-۰/۱۲	-۰/۱۷	تنظیم هیجان ناسازگارانه

به راهبردهای تنظیم شناختی هیجان نیز معنادار است. در جدول خلاصه‌شده ۴ پارامترهای مربوط به مسیرهای غیرمستقیم معنادار، به همراه اثرات مستقیم و کلی آن‌ها ارائه شده است. نتایج جدول ۴ بیان‌گر آن است که ارزش فرهنگی جمع‌گرایی اثر واسطه‌گری جزئی بر راهبردهای سازگارانه و ناسازگارانه تنظیم شناختی هیجان دارد. بدین نحو که علاوه بر تأثیرات مستقیمی که گزارش شد، جمع‌گرایی از طریق نیاز به شایستگی، اثر غیرمستقیم منفی بر راهبرد سازگارانه ($\beta = -0/033, p = 0/003$) و اثر غیرمستقیم مثبت بر راهبردهای ناسازگارانه تنظیم شناختی هیجان ($\beta = 0/038, p = 0/009$) دارد. به بیان دیگر، جمع‌گرایی با

کاستن از ارضای نیاز به شایستگی منجر به کاهش استفاده از راهبردهای سازگارانه تنظیم شناختی هیجان و افزایش استفاده از راهبردهای ناسازگارانه تنظیم شناختی هیجان می‌شود. در خصوص ارزش فرهنگی فردگرایی نیز نتایج مؤید آن است که این متغیر با واسطه نیاز به ارتباط اثر غیرمستقیم مثبت بر راهبرد سازگارانه ($\beta=0/03, p=0/003$) و اثر غیرمستقیم منفی بر راهبرد ناسازگارانه تنظیم شناختی هیجان ($\beta=-0/032, p<0/002$) دارد. همچنین به‌طور مشابه، فردگرایی با واسطه نیاز به شایستگی به‌طور غیرمستقیم و مثبت ($p=0/005$) راهبردهای سازگارانه و به‌طور غیرمستقیم و منفی ($\beta=-0/027, p=0/004$) راهبردهای ناسازگارانه تنظیم شناختی هیجان را پیش‌بینی می‌کند. افزون بر این، فردگرایی به‌واسطه نیاز به خودپیروی، اثر غیرمستقیم معنادار و منفی ($\beta=-0/038, p=0/008$) نیز بر راهبرد ناسازگارانه تنظیم شناختی هیجان نشان داد.

جدول ۴. خلاصه نتایج بررسی اثرات مستقیم، غیر مستقیم و کلی مدل

اثرات کل		اثرات غیر مستقیم		اثرات مستقیم		مسیر متغیرها		
معناداری	β	معناداری	β	معناداری	β	درون‌زاد	واسطه‌ای	برون‌زاد
0/10	0/077	0/003	-0/033	0/04	0/11	راهبرد سازگارانه	نیاز به شایستگی	جمع‌گرایی
0/04	0/16	0/009	0/038	0/02	0/12	راهبرد ناسازگارانه		
0/001	0/19	0/003	0/03	0/004	0/16	راهبرد سازگارانه	نیاز به ارتباط	فردگرایی
0/31	0/028	0/002	-0/032	0/3	0/06	راهبرد ناسازگارانه		
0/01	0/18	0/005	0/024	0/004	0/16	راهبرد سازگارانه	نیاز به شایستگی	
0/54	0/033	0/004	-0/027	0/3	0/06	راهبرد ناسازگارانه		
0/75	0/022	0/008	-0/038	0/3	0/06	راهبرد ناسازگارانه	نیاز به خودپیروی	

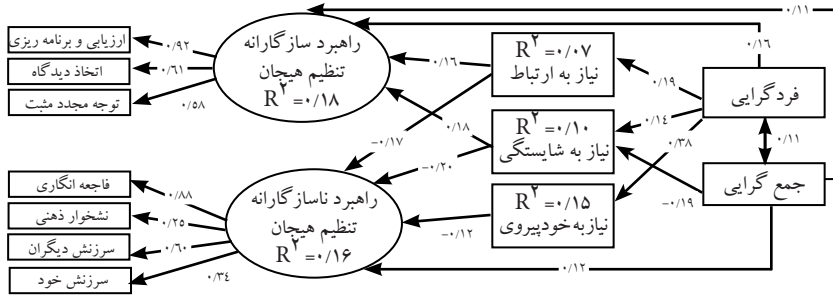
در ادامه به‌منظور بررسی میزان برازش مدل شاخص‌های برازش مدل محاسبه شد. همان‌طور که در جدول ۵ ملاحظه می‌شود، مدل پژوهش حاضر از برازش مطلوبی برخوردار است.

جدول ۵. شاخص‌های برازش مدل پژوهش

شاخص‌ها	X^2/df	X^2	GFI	AGFI	CFI	NFI	RMSEA
مقادیر	2/87	120/71	0/94	0/90	0/91	0/87	0/07

علاوه بر برآوردهای فوق، آزمون مدل پژوهش نشان داد که با این مدل می‌توان ۱۸ درصد از واریانس راهبردهای سازگارانه تنظیم شناختی هیجان و ۱۶ درصد از واریانس راهبردهای ناسازگارانه تنظیم شناختی هیجان را تبیین کرد. پس از حذف مسیرهای غیر

معنادار، مدل نهایی پژوهش حاضر را می‌توان در شکل ۲ مشاهده کرد.



شکل ۲. نتایج آزمون مدل پیش‌بینی راهبردهای تنظیم شناختی هیجان از طریق ارزش‌های فرهنگی و نیازهای اساسی روان‌شناختی

● بحث و نتیجه‌گیری

○ پژوهش حاضر باهدف تعیین نقش واسطه‌گری ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی در روابط بین ارزش‌های فرهنگی و تنظیم شناختی هیجان انجام گرفت. نتایج نشان داد، فردگرایی به‌طور مستقیم راهبرد سازگارانه تنظیم شناختی هیجان را به گونه مثبت و معنادار پیش‌بینی می‌کند و اثر مستقیم معناداری بر راهبرد ناسازگارانه تنظیم شناختی هیجان ندارد. این یافته با نتایج پژوهش هاگا و همکاران (۲۰۰۹) و وونگ (۲۰۰۹) همسو می‌باشد. تفاوت اساسی بین فرهنگ فردگرا و جمع‌گرا از لحاظ نقش عواطف در تعیین سلامت یا بیماری وجود دارد. به حداکثر رساندن عواطف و هیجانات مثبت یک هدف فرهنگی در فرهنگ‌های فردگرا است (لو، وانگ و کو، ۲۰۱۱؛ کرمی نوری، فراهانی و تراست، ۲۰۱۳). افراد «فردگرا»، این باور را دارند که برای یک زندگی سالم و شاد باید بر میزان عواطف مثبت خود بیافزایند. این افراد هیجان‌های مثبت با سطح برانگیختگی بالا (مثل شور و نشاط) را ترجیح می‌دهند، زیرا این هیجان‌ها پیش‌زمینه تجارب فردی بوده و افراد را برای ابراز خودشان و تأثیر گذاشتن بر دیگران آماده می‌کند (تسای، میاوو، سپالا، فونگ، و یونگ، ۲۰۰۷).

○ افزون بر این، نتایج نشان داد که فردگرایی به‌صورت غیرمستقیم با واسطه نیاز به ارتباط و نیاز به شایستگی، راهبردهای سازگارانه تنظیم شناختی هیجان را به‌طور مثبت پیش‌بینی می‌نماید و به‌واسطه نیاز به خودپروی، نیاز به ارتباط و نیاز به شایستگی نیز راهبردهای ناسازگارانه تنظیم شناختی هیجان را به‌طور منفی پیش‌بینی می‌کند. مطابق با نظریه خود تعیینی، عملکرد بهینه افراد در زمینه‌های مختلف وابسته به ارضای نیازهای اساسی

روان‌شناختی آنهاست. این نظریه تأکید دارد که عوامل محیطی-اجتماعی منجر به ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی و متعاقباً موجب عملکرد بهینه یا بهزیستی افراد می‌شود (ریان و دسی، ۲۰۰۰). ارضای این نیازها به پیامدهای مثبت بسیار از جمله به احساس اعتماد به خود، خود ارزشمندی (چن و جانگ، ۲۰۱۰)، تجربه هیجان‌های مثبت (هان و اویشی، ۲۰۰۶؛ ریو، ۲۰۰۹) و در مقابل کاهش عواطف منفی (پاتریک و همکاران، ۲۰۰۷) منجر می‌گردد. تجربه هیجان‌های مثبت دامنه توجه فرد، فرآیندهای توجهی کل‌نگر، راهبردهای شناختی انطباقی‌تر و رفتارهای گرایشی را افزایش می‌دهد (فردریکسون، ۲۰۱۳).

○ در خصوص نقش واسطه‌ای نیاز به ارتباط، در رابطه بین فردگرایی و تنظیم شناختی هیجان، نتایج نشان داد که هر چه فردگرایی بیش‌تر، نیاز به ارتباط نیز بیش‌تر ارضا گردیده و در نتیجه راهبردهای سازگارانه افزایش و راهبردهای ناسازگارانه تنظیم شناختی هیجان کاهش می‌یابد. فردگرایی با استقلال رأی و تکیه بر عقلانیت تعریف شده است. افراد فردگرا که خود مستقل دارند، بر نیازها و اهداف خود تأکید دارند و جهت ارضای نیازهای خود با دیگران ارتباط برقرار می‌کنند (بوک، ۲۰۰۱). بنابراین مطابق با عقلانیت، نیاز به ارتباط با دیگران، به منظور رسیدن به اهداف و مقاصد فردی می‌باشد و در صورت ارضای این نیاز و کسب اهداف فردی، زمینه استفاده بیش‌تر از راهبردهای سازگارانه و استفاده کم‌تر از راهبردهای ناسازگارانه تنظیم شناختی هیجان مهیا می‌شود. در واقع افراد با برقراری روابط مناسب با دیگران، امکان ارتقای بهزیستی روان‌شناختی را تسهیل می‌کنند (پاتریک و همکاران، ۲۰۰۷).

○ در خصوص نقش واسطه‌ای نیاز به شایستگی در رابطه بین فردگرایی و راهبردهای سازگارانه و ناسازگارانه تنظیم شناختی هیجان، با توجه به اینکه مشخصه اصلی فردگرایی اراده و ابتکار عمل بوده و این ویژگی دستیابی به اهداف شخصی را در پی دارد، نتیجه آن کسب احساس صلاحیت و شایستگی می‌باشد. فردی که احساس صلاحیت و شایستگی می‌کند، معتقد است که مشکلات زندگی قابل کنترل بوده و از عهده چالش‌های مختلف زندگی برمی‌آید و در نتیجه چنین فردی جهت تنظیم هیجان خود از راهبردهای سازگارانه تنظیم شناختی هیجان بیش‌تر و از راهبردهای ناسازگارانه کم‌تر استفاده می‌نماید.

○ افزون بر این، نتایج نشان داد که فردگرایی از طریق ارضای نیاز به خودپیروی، موجب کاهش استفاده از راهبردهای ناسازگارانه تنظیم شناختی هیجان می‌شود. فردگرایی

توسط یک مجموعه رفتارهایی مشخص می‌شود که به شخص احساس فردیت و منحصر به فرد بودن می‌دهد. این رفتارها منجر به احساس خوب و مثبت (احساس استقلال و خودپیروی) می‌گردد (دی‌آندرید، ۱۹۸۴).

○ یافته پژوهش در خصوص جمع‌گرایی نشان داد که جمع‌گرایی بر هر دو راهبرد سازگاران و ناسازگاران تنظیم شناختی هیجان اثر مستقیم مثبت و معناداری دارد. به عبارت دیگر افراد جمع‌گرا، از هر دو راهبرد سازگاران و ناسازگاران تنظیم شناختی هیجان جهت تنظیم هیجانات خود استفاده می‌نمایند. همان‌طور که ممکن است به حداکثر رساندن عواطف مثبت و هیجانات مثبت یک هدف فرهنگی در فرهنگ‌های فردگرا باشد، ایجاد شرایط بهینه برای تجربه عواطف تعادلی ممکن است در فرهنگ‌های جمع‌گرا (آسیایی) مطلوب‌تر باشد (لو، وانگ و کو، ۲۰۱۱؛ کرمی نوری و همکاران، ۲۰۱۳). افراد در فرهنگ‌های جمع‌گرا در مقایسه با فرهنگ‌های فردگرا، برای به حداکثر رساندن عواطف مثبت و یا دریافتن خیلی زیاد با عواطف منفی، زیاد اولویت قائل نیستند. نتایج تحقیق فراهانی و کرمی نوری (۱۳۹۵) نشان داد که ایرانی‌ها برای رسیدن به یک عاطفه تعادلی از ترکیب عواطف مثبت و منفی استفاده می‌کنند. تنظیم هیجان وقتی با بافت فرهنگی سازگار باشد، انطباقی و هنگامی که با بافت فرهنگی ناسازگار باشد، ممکن است غیرانطباقی در نظر گرفته شود (فورد و ماوس، ۲۰۱۵). افراد مختلف با ارزش‌های فرهنگی متفاوت، راهبردهایی را انتخاب می‌کنند که برحسب الگوهای خودشان به هیجان‌های مناسب و کارآمد ختم شود. بدین ترتیب کسانی که انتظارات فرهنگی را در مورد نحوه ابراز هیجان یاد گرفته‌اند، سلامت روانی بهتری دارند (دی‌لیبرزنايدر و همکاران، ۲۰۱۴؛ ۲۰۱۵).

○ همچنین نتایج نشان داد، جمع‌گرایی با کاستن از ارضای نیاز به شایستگی منجر به کاهش استفاده از راهبردهای سازگاران تنظیم شناختی هیجان و افزایش استفاده از راهبردهای ناسازگاران تنظیم شناختی هیجان می‌شود. افراد جمع‌گرا که مفهوم وابسته‌ای از خوددارند، در تعامل خود با جامعه، ارضای نیازهای خود و افرادی که با خود او شریک هستند را مدنظر قرار می‌دهد. یعنی هدف‌های فرد، همسو باهدف‌های گروه‌هایی نظیر خانواده، دوستان، قبیله و نظایر آن است (تریاندیس؛ ۱۹۹۵؛ بوک، ۲۰۰۱) در فرهنگ جمع‌گرا بیش‌تر هدف‌های گروهی مدنظر بوده و شایستگی فردی به‌تنهایی چندان معنی پیدا نمی‌کند. در جامعه امروزی،

فردی که به‌طور مداوم خود را درگیر حل مسائل اطرافیان می‌نماید، ممکن است رسیدگی به اطرافیان موجب گردد که فرصت کم‌تری جهت پیشرفت شخصی داشته و این عدم فرصت موجب ارضای نیاز به شایستگی گردد.

○ بنا به اعتقاد چن و جانگ (۲۰۱۰) در صورت ممانعت و عدم ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی، افراد ادراکی شکننده، منفی و انتقادآمیز از خود خواهند داشت. این احساس منفی از خود که متعاقب عدم ارضای نیازهای روان‌شناختی به وجود می‌آید، موجب استفاده از راهبردهای ناسازگارانه همچون سرزنش خود، سرزنش دیگران، فاجعه‌انگاری و نشخوار ذهنی می‌گردد. در همین راستا، تحقیقات موجود نیز بر نقش عدم ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی در پیش‌بینی عدم بهزیستی روانی (هاج، لانسدل و ان جی، ۲۰۰۸؛ کاستا، تتومانیس، کیمبرلی و بارتولومئو، ۲۰۱۵ و رینبات، دودا و تومانیس، ۲۰۰۴) تأکید کرده‌اند.

○ با توجه به یافته‌های پژوهش، در فرهنگ ایرانی فردگرایی و جمع‌گرایی هر دو وجود دارد، اگرچه عمدتاً فردگرا هستیم (نتایج بررسی میانگین وزنی فردگرایی و جمع‌گرایی و تی‌تست وابسته نشان داد که میزان فردگرایی بیش‌تر از جمع‌گرایی است). شواهد نشان می‌دهد که شتاب فناوری، گسترش ارتباطات و از همه مهم‌تر جهانی‌شدن، به تدریج نوعی اختلاط ارزشی به وجود آورده است و جوامع شرقی نیز به میزان زیادی رنگ جوامع فردگرایانه گرفته‌اند.

○ بنا به اعتقاد دسی و ریان (۲۰۰۰) هرچه فرهنگی از طریق شیوه‌های معمول اجتماعی کردن خود و محتوای عقایدی که انتقال می‌دهد، در هماهنگی بیش‌تر با ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی باشد، افراد بهزیستی بالاتری داشته و اعضای آن فرهنگ باهم هماهنگ‌تر خواهند بود و آن فرهنگ ثبات بیش‌تری خواهد داشت. در مقابل، اگر ارزش‌های فرهنگی با ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی هماهنگی نداشته باشد، نه تنها شاهد افرادی خواهیم بود که عملکرد بهینه و بهزیستی ندارند، بلکه آن فرهنگ نیز ثبات کم‌تری خواهد داشت و رو به تجزیه شدن خواهد گذاشت.



یادداشت‌ها

1. self- determination theory
2. basic psychological needs
3. Individualism-Collectivism Scale
4. Basic Psychological Needs Scale
5. Cognitive Emotion Regulation Questionnaire (CERQ)

● منابع

- شیخ‌الاسلامی، راضیه. (۱۳۹۰). نقش رابطه‌ای رضایت از زندگی در رابطه بین خود تعیینی و بهداشت روانی. *مجله روان‌شناسی*، ۵۷، ۸۹-۷۶.
- شیخ‌الاسلامی، راضیه. دفترچی، عفت. (۱۳۹۴). پیش‌بینی نشاط ذهنی دانش‌آموزان بر اساس جهت‌گیری هدف و نیازهای اساسی روان‌شناختی. *مجله روان‌شناسی*، ۱۹(۲)، ۱۶۲-۱۴۷.
- فراهانی، محمد تقی؛ کرمی نوری، رضا. (۱۳۹۵). مفهوم سلامت و بیماری در فرهنگ‌های فردگرا و جمع‌گرا: یک پژوهش بین فرهنگی. *فصلنامه پژوهش در سلامت روان‌شناختی*. ۹(۴)، ۱۰-۱.
- فرجی، ندا؛ غلامعلی لوانسانی، مسعود؛ خلیلی، شیوا. (۱۳۹۳). رابطه خودشناسی و نیازهای اساسی روان‌شناختی با خودتنظیمی هیجانی و یادگیری. *مجله روانشناسی*، ۲۱(۳)، ۳۴۶-۳۳۴.
- محمدی، ح؛ مزیدی، م. (۱۳۹۳). نقش دینداری در پیش‌بینی راهبردهای تنظیم شناختی هیجان در دانشجویان. *مجله فرهنگ در دانشگاه اسلامی*، ۴(۱۳)، ۶۲۰-۶۰۵.
- Bhawuk, S. (2001). Evolution of culture assimilators: Toward theory-based assimilators. *International Journal of Intercultural Relations*, 25, 141-163.
- Chen, K. C., & Jang, S. J. (2010). Motivation in online learning: Testing a model of self-determination theory. *Journal of Computers in Human Behavior*, 26, 741-752.
- Costa, S., Ntoumanis, N., & Bartholomew, K. J. (2015). Predicting the brighter and darker sides of interpersonal relationships: Does psychological need thwarting matter? *Motivation Emotion*, 39, 11-24.
- D'Andrade, R. G. (1984). Culture meaning systems. In R. A. Shweder & R. A. Levine (Eds.), *Culture theory: Essays on mind, self, and emotion* (88-119). Cambridge, UK: Cambridge University Press.
- Deci, E. L., & Ryan, R. M. (2000). "The what & why of Goal pursuits: Human needs and the self-determination of Behavior." *Psychological Inquire*, 11, 227 – 268.
- Deci, E. L., & Vansteenkiste, M. (2004). Self-determination theory and basic need satisfaction: Understanding human development in positive psychology. *Ricerche di Psicologia*, 27, 17-34.
- Deci, E. L., & Ryan, R. M. (2008). Facilitating optimal motivation and psychological well-being across life's domains. *Canadian Psychology*, 49, 14-23.
- Deci, E. L., & Ryan, R. M. (2011). Levels of analysis, regnant causes of behavior and well-being: The role of psychological needs. *Psychological Inquiry*, 22, 17-22.
- De Leersnyder, J., Mesquita, B., Kim, H., Eom, K., & Choi, H. (2014). Emotional fit with

- culture: A predictor of individual differences in relational well-being. *Emotion, 14*(2), 241-245.
- De Leersnyder, J., Kim, H., & Mesquita, B. (2015). Feeling right is feeling good: Psychological well-being and emotional fit with culture in autonomy-versus relatedness-promoting situations. *Frontiers in Psychology, 19*, 600-630 .
- Elliott, A., Chirkov, V., Kim, Y., & Sheldon, K. (2001). A cross-cultural analysis of avoidance (relative to approach) personal goals. *Psychology Science & Medicince, 12*, 505–510.
- Evans, P., McPherson, G. E., & Davidson, J.W. (2013). The role of psychological needs in ceasing music and music learning activities. *Psychology of Music, 41*(5), 600-619.
- Fredrickson, B. L. (2013). Positive emotions broaden and build. In E. Ashby plan, & P. G. Devine (Eds.), *Advances on experimental social psychology* (pp. 1- 53). Burlington: Academic Press.
- Ford, B. Q., & Mauss, I. B. (2015). Culture and emotion regulation. *Current Opinion in Psychology, 3*, 1–5. doi: <http://dx.doi.org/10.1016/j.copsyc.2014.12.004>.
- Garnefski, N., Kraaij, V., & Spinhoven, P. H. (2001). Negative life events, cognitive emotion regulation and emotional problems. *Personality and Individual Differences, 30*, 1311-1327.
- Garnefski, N., Koopman, H., Kraaij, V., & Cate, R. T. (2009). Brief report: Cognitive emotion regulation strategies and psychological adjustment in adolescents with a chronic disease. *Journal of Adolescence, 32*, 449-454.
- Gundelach, P., & Kreiner, S. (2004). Happiness and life satisfaction in advanced European countries. *Cross-Cultural Research, 38*, 359-386.
- Hahn, J., & Oishi, Sh. (2006). Psychological needs and emotional well-being in older and younger Koreans and Americans. *Personality and Individual Differences, 40*, 689–698.
- Hodge, K., Lonsdale, C., & Ng, J. Y. Y. (2008). Burnout in elite rugby: Relationships with basic psychological needs fulfillment. *Journal of Sports Sciences, 26*, 835–844.
- Hui, C. H., and Villareal, M. J. (1989). Individualism-collectivism and psychological needs, *Journal of Cross-Cultural Psychology, 20*.
- Kormi-Nouri, R., Farahani, M., & Trost, K. (2013). The role of positive and negative affect on well-being in Swedish and Iranian university students. *Journal of Positive Psychology, 8*, 435-443.
- Leu, J., Wang, J., & Koo, K. (2011). Are positive emotions just as “positive” across cultures? *Emotion, 11*, 994–999.
- Oishi, S., Diener, E., Lucas, R. E., & Suh, E. M. (1999). Cross-cultural variations in

- predictors of life satisfaction: A perspectives from needs and values. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 25, 980–990.
- Potthoff, S. Garnefski, N. Miklosi, M. Ubbiali, A. Javier Dominguez-sanchez, F. Martins, E.C. Witthoft, M. & Kraaij, V. (2016). Cognitive emotion regulation and psychology across cultures: A comparison between six European countries. *Personality and Individual Differences*, 98, 218-224.
- Patric, H., Knee, C. R. Canevello, A., & Lonsbary, C. (2007). The role of need fulfillment in relationship functioning and Well-being: A self determination theory perspective. *Journal of Personality and Social Psychology*, 92, 434-457.
- Reeve, J. (2009). *Understanding motivation and emotion*. New York: Wiely.
- Reinboth, M., Duda, J. L., & Ntoumanis, N. (2004). Dimensions of coaching behavior, need satisfaction, and the psychological and physical welfare of young athletes. *Motivation & Emotion*, 28, 297–313.
- Roth, G., Assor, A., Niemiec, C. P., Ryan, R. M., & Deci, E. L. (2009). The emotional and academic consequences of parental conditional regard: Comparing conditional positive regard, conditional negative regard, and autonomy support as parenting practices. *Developmental Psychology*, 45(4), 1119-1142.
- Rudy, D., Sheldon, K. M., Awong, T., & Tan, H. H. (2007). Autonomy, culture, and well being: The benefits of inclusive autonomy. *Journal of Research in Personality*. 41, 983-1007.
- Sheikholeslami, R. Arab-Moghaddam, N. (2010). Relations of autonomy and adjustment in Iranian college students: A cross-culture study of self-determination theory. *Social and Behavioral Sciences*, 5, 1831-1835.
- Triandis, H. (1995). *Individualism and Collectivism*. Boulder, CO: Westview.
- Tsai, J. L., Miao, F. F., Seppala, E., Fung, H. H., & Yeung, D. Y. (2007). Influence and adjustment goals: Sources of cultural differences in ideal affect. *Journal of Personality and Social Psychology*, 92, 1102–1117.
- White, R. W. (1959). Motivation reconsidered: The concept of competence. *Psychological Review*, 66, 297-333.
- Wong, M. K. Y. (2009). *A cultural comparison of cognitive emotion regulation strategies: Moderation of cultural values on psychological well-being*. (Bachelor of Social Sciencesin Psychology). City University of Hong Kong.

